

Ethical principles of social activism of clergies in Shiite and Catholic Teachings

Sayyrd Akbar Huseini Ghalehbahman*

Abstract

Social activism is one of the voluntary activities of man that takes place in the form and framework of the moral system and takes the appropriate direction. The clergy, in all religions, are among the most important social activists, whose activities must necessarily be seen in a moral context. In this article, first, the principles and moral requirements of activism in the two Catholicism in Christianity and Shiism in Islam are discussed, and then, by comparing those principles, their similarities and differences are considered. The necessity of human dignity, the observance of the public good, the moral necessity of solidarity, the preferential choice of the poor, the necessity of stewardship, the principle of participation, the principle of observance of rights and responsibilities, the necessity of economic justice and the necessity of peace in Catholicism were considered. The principles of justice, honesty, cooperation, charity, love and compassion, enjoining the good and forbidding the evil, benevolence and faithfulness to the covenant in Shia were analyzed.

Keywords

Ethics, social activism, clergy, Catholicism, Shia.

* Associate Professor, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran.
akbar.hosseini37@yahoo.com



اصول اخلاق کنشگری اجتماعی روحانیون در آموزه‌های شیعی و آیین کاتولیک

سیداکبر حسینی قلعه‌بهمن*

چکیده

کنشگری اجتماعی در زمره فعالیت‌های اختیاری آدمی است که در قالب و چارچوب نظام اخلاقی واقع می‌شود و سمت و سوی مناسب به خود می‌گیرد. در تمام ادیان، روحانیون از جمله مهم‌ترین کنشگران اجتماعی هستند که فعالیت آنان نیز ضرورتاً باید در قالب اخلاقی دیده شود. در این نوشتار، نخست، اصول و بایسته‌های اخلاقی کنشگری در دو مذهب کاتولیک در مسیحیت و شیعه در اسلام بررسی شده و سپس، با مقایسه آن اصول به شباهت‌ها و تفاوت‌های آنان نظر شده است. بایستگی شأن و ارزش انسان، رعایت خیر عمومی، بایستگی اخلاقی هم‌بستگی، گزینه ترجیحی فقرا، بایستگی مباشرت، اصل مشارکت، اصل رعایت حقوق و مسئولیت‌ها، بایستگی عدالت اقتصادی و اصل لزوم ایجاد صلح در آیین کاتولیک، و اصول عدالت، امین‌بودن، تعاون، نیکوکاری، محبت و رأفت، امر به معروف و نهی از منکر، خیرخواهی و وفای به عهد در مذهب تشیع بررسی و تحلیل شدند.

*دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام‌خمينی، قم، ایران.



کلیدواژه‌ها

اخلاق، کنشگری اجتماعی، روحانیت، کاتولیک، شیعه.

مقدمه

انسان‌ها با یکدیگر و در کنار هم زندگی اجتماعی را بنیان نهاده‌اند. در این زندگی جمعی، منافی به اشتراک گذاشته می‌شود تا منافی مطلوب برداشت گردد. زندگی اجتماعی، محصول این تبادل منافع است و به‌طور طبیعی باید در این مسیر حرکت کند. اما گاه حرکت زندگی اجتماعی به‌طرف هدف مطلوب، کند یا متوقف می‌گردد و یا حتی در جهتی خلاف آن مقصد به جریان می‌افتد. در این حالت، عده‌ای که دارای اقتدار اجتماعی هستند، باید به میدان بیایند و این حرکت را سرعت بخشند یا انحراف به‌وجودآمده را اصلاح کنند.

«کنشگران اجتماعی»، عنوانی است که به این افراد داده می‌شود. بی‌تردید، روحانیون ادیان مختلف از اثرگذارترین افراد در این کنشگری قلمداد می‌شوند. این عده، با استفاده از آموزه‌های دینی، اولاً هدفی برای حرکت اجتماع تعیین می‌کنند و ثانیاً راه‌های رسیدن به آن هدف را به‌دقت شناسایی می‌کنند، با آگاهی کامل، آسیب‌های احتمالی حرکت مذکور را ارزیابی می‌کنند و درصدد رفع آن آسیب‌ها برمی‌آیند. روحانیت در اسلام و مسیحیت (به‌معنای عام) و روحانیت شیعه و کاتولیک (به‌معنای خاص)، از این قاعده مستثنی نیستند و در جهت کنشگری اجتماعی گام برمی‌دارند.

نکته مهم در کنشگری اجتماعی، وجود اصول و قواعد اخلاقی‌ای است که آن را در قالبی خاص قرار می‌دهد. به‌دیگر سخن، کنشگری اجتماعی، عملی بی‌قید و شرط نیست. برای یک کنشگری صحیح و موجه لازم است که این موضوع در قالبی صحیح قرار داشته باشد. اصول و قواعد اخلاقی بخشی از این چارچوب را برای کنشگران اجتماعی تدارک می‌بینند.



در این نوشتار، تلاش بر آن است که مهم‌ترین اصول اخلاقی حاکم بر کنشگری اجتماعی روحانیت شیعه و کاتولیک را ترسیم و به‌اجمال بررسی کنیم. دلیل انتخاب این دو مذهب از اسلام و مسیحیت این است که اولاً اندیشمندان این دو مذهب در حوزه کنشگری اجتماعی کوشیده‌اند و این دو مذهب در وزان مقایسه با هم قرار دارند و ثانیاً آیین کاتولیک، جریان اصلی مسیحیت بوده و تشیع نیز مخاطب اولیه مطالب این نوشتار است. البته بدیهی است که ممکن است در آینده به اصولی که در ادامه می‌آیند، افزوده گردد یا از اهمیت بعضی از آن‌ها کاسته شود؛ اما در حال حاضر، باید در نظر داشته باشیم که این اصول متکی بر آموزه‌های اخلاقی آیین کاتولیک و شیعه، از مهم‌ترین اصول اخلاقی ناظر به کنشگری اجتماعی روحانیت در این دو مذهب هستند.

مفاهیم کلیدی

اصول اخلاقی

طبق تعریف اولیه اصل اخلاقی، منظور از اصول اخلاقی، اصول درست و خطای اخلاقی است که توسط یک فرد یا یک گروه اجتماعی پذیرفته شده است (moral principles, in The free dictionary). اصول اخلاقی، قدرت توجیه انتخاب‌های اخلاقی آدمی را دارند و نشان می‌دهند که چرا یک رفتار خاص یا یک صفت خاصی از انسان سر زده یا انجام آن رفتار و داشتن آن صفت انتخاب شده است (Robinson, 2008, p. 3).

رابرت ال. هولمز، در کتاب مبانی فلسفه اخلاق، در عبارتی اصل اخلاقی را چنین تبیین می‌کند:

«اصولی اخلاقی، نظیر اصل پاکدامنی، اصل عدالت یا قاعده زرین، مبنایی در اختیار عامل قرار می‌دهد تا به استناد آن در آن مسئله‌ای که پیش می‌آید نظر کند و آن را مورد بررسی قرار دهد. این اصل جنبه‌هایی از عمل را در برابر او عیان می‌سازد؛



او را بر حذر می‌دارد از اینکه در آن عمل به صورت سرسری یا ناقص نظر کند. سرفصل‌هایی در اختیار او می‌گذارد تا با ارجاع به آن‌ها نسبت‌های امیال و اغراضش را ملاحظه و بررسی کند و از این رهگذر باعث می‌شود که عامل در تفکرش صرفه‌جویی کند. این اصل مشیر به عوامل مهمی است که او باید مدنظر قرار دهد و از این طریق، تفکر او را هدایت کند. پس اصل اخلاقی، حکمی برای عمل کردن یا پرهیز از عملی معین نیست؛ وسیله‌ای است برای تجزیه و تحلیل وضعیتی خاص. درستی یا نادرستی عمل را تمامیت وضعیت معلوم می‌کند، نه قواعد به خودی خود» (هولمز، ۱۳۸۹، ص ۴۴۹).

به هر تقدیر، اصول اخلاقی در این نوشتار، تمام هنجارهای اخلاقی ناظر به کنشگری اجتماعی روحانیت را در مذاهب شیعه و کاتولیک در بر می‌گیرد.

کنشگری اجتماعی

هنگامی که بخواهیم کنشگری اجتماعی را تعریف کنیم، نخست باید خود کنشگری (activism) را مدنظر قرار دهیم. کنشگری یعنی به کارگیری اقدام مستقیم و قابل توجه برای دستیابی به یک نتیجه معمولاً سیاسی یا اجتماعی (activism, In: Cambridge dictionary). اگر این اقدام مستقیم در عرصه اجتماع باشد، با نام کنشگری اجتماعی خوانده می‌شود. کنشگری اجتماعی (Social activism)، اقدامی هدفمند برای ایجاد تغییرات اجتماعی پایدار است. هر شخصی با هر هدفی که به آن علاقه دارد، اگر برای ایجاد تغییرات مؤثر و متناسب با هدف خویش تلاش کند، می‌تواند به یک فعال و کنشگر اجتماعی تبدیل شود. بر اساس فرهنگ لغت آکسفورد، فعال اجتماعی «کسی است که برای دستیابی به تغییرات سیاسی یا اجتماعی، به‌ویژه به‌منزله عضو از یک سازمان با اهداف خاص تلاش می‌کند» (Activist, In Oxford Advanced Learner's Dictionary). کنشگری اجتماعی دست کم به اعتقاد شخص کنشگر یا سازمانی که عضو آن است،





و به‌طور کلی به تلاش برای اصلاح اشتباهات و اعمال ناعادلانه‌ای که بر زندگی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد، اشاره دارد؛ اعمالی مانند نسل‌کشی روهینگیا در میانمار، کشتار مردم مظلوم یمن یا جدایی کودکان از خانواده‌هایشان در مرز ایالات متحده و مکزیک توسط افسران مهاجرت (در دوران ریاست جمهوری ترامپ).

روحانیت

از نظر لغوی، روحانیت در تداول فارسی‌زبانان به معنی روحانی و معنوی بودن است. تقدس و پاکی و پارسایی نیز از آن فهمیده می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل روحانیت). البته روحانی، به پیشوایان دینی که پرچم‌دار دین و هویت دینی، در ادیان و آیین‌های مختلف هستند، اطلاق می‌گردد (ر.ک: یعقوبی، ۱۳۹۱، ص ۶).

کاتولیک

کاتولیک از ریشه «Katholicos»، در لغت به معنی آزاده، بلندنظر، جامع، اصل و اصیل است. این واژه در عهد جدید به کار نرفته است (کونگ، ۱۳۸۴، ص ۶۱). واژه کاتولیک تا قرن سوم، به معنی «جهانی» بود، اما در پایان این قرن، معنای آن به باور و ایمان به آموزه‌های دارای سنت حوادث تغییر یافت.

البته این معنا توسط کلیساهایی که یکدیگر را به رسمیت شناختند، در یک شورای جهانی پذیرفته شد (گریدی، ۱۳۷۷، ص ۳۸). در لغت، کاتولیک به معنی «جامع» است. کاتولیک‌ها کلیسای خود را اساس و پایه همه کلیساهای دیگر می‌دانند و بر این باورند که نماینده حقیقی آیین مسیحیت هستند؛ لذا این نام را برای خود برگزیده‌اند. البته در کنار مذهب کاتولیک، دو مذهب اصلی دیگری یعنی ارتودکس و پروتستان نیز وجود دارند که علاوه بر اختلافات متعدد، مرکزیت داشتن کلیسا و پاپ و مرجعیت آن‌ها در آموزه‌های دینی آیین کاتولیک، وجه اصلی تفاوت این مذاهب معرفی می‌شود.

به این کلیسا، کلیسای پطرسی هم می‌گویند؛ چراکه اعتقاد دارند پایه‌گذار این کلیسا، «پطرس حواری» است. البته مدتی هم «پولس رسول»، رهبری این کلیسا را بر عهده داشته است و بدین دلیل، به آن کلیسای رسولی هم گفته می‌شود (توفیقی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۷).

پیشینه تحقیق

درباره پیشینه عام موضوع موردنظر، می‌توان به آثار متنوعی در زبان فارسی ارجاع داد؛ آثاری در حوزه اخلاق (مانند کتاب «اخلاق در قرآن» از آیت‌الله علامه مصباح یزدی) و اخلاق اجتماعی (مانند مقاله «تجلی قرآنی بایسته‌های اخلاق اجتماعی در صحیفه سجادیه» از خانم‌ها الهه هادیان رسانی و کوثر بصام) در این باره نوشته شده است. اما درباره اخلاق روحانیت شیعه و اخلاق کنشگری اجتماعی روحانیت کاتولیک، نوشته خاصی به زبان فارسی پیدا نشد و در زمینه بررسی مقایسه‌ای اخلاق کنشگری روحانیت شیعه و روحانیت کاتولیک نیز تحقیقی انجام نشده است.

ملاک تبیین اصول کنشگری اجتماعی روحانیت

در پاسخ به این پرسش که این اصول از کجا به دست آمده‌اند، باید گفت در این نوشتار، ملاک استخراج اصول یادشده، ملاحظه نظریه ارزش اخلاقی در هر دین در گام نخست و تکیه بر اصول بنیادین اخلاقی در گام دوم است. البته روشن است که اصول ارائه‌شده، در نگاه اول، برگرفته از متون مقدس و منابع معتبر این دو آیین بوده و در ادامه، بر اساس بیانات اندیشمندان مختلف در آیین‌های شیعه و کاتولیک استوار است و ممکن است در آینده، مواردی به آن‌ها افزوده شود.



اصول اخلاق کنشگری اجتماعی روحانیون در آموزه‌های کاتولیک

اخلاق کاتولیکی، دارای هفت اصل مهم و بنیادین است؛ ایمان، امید، محبت، ثبات، تدبیر، اعتدال و عدالت. بر پایه این هفت اصل، می‌توان اصول و قواعد دیگری را در عرصه‌های اخلاق بندگی، اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی و اخلاق محیط‌زیست استخراج و عرضه کرد. بزرگان کلیسای کاتولیک از این موضوع غافل نبوده و به همین دلیل، در امر تدوین این اصول و قواعد اخلاقی که توجیه‌گر کنشگری اجتماعی روحانیت کاتولیک است، کوشیده‌اند. در ادامه، به این اصول و قواعد توجه می‌کنیم. البته این اصول و قواعد اخلاقی علاوه بر متون مقدس، بیشتر با توجه به دیدگاه‌های معاصر در اندیشه‌های کلیسای کاتولیک استخراج و عرضه گردیده است.

باید توجه داشت که این اصول گرچه قابلیت تعمیم به تمام کنشگران اجتماعی را دارند، اما از آنجا که مخاطبان اولیه کلیسای کاتولیک، روحانیت همین کلیساست، این اصول در حلقه نخست ناظر به روحانیت کاتولیک می‌باشد و در حلقه‌های بعد، به دیگر فعالانی که به آموزه‌های این کلیسا پایبند هستند، تعمیم می‌یابد. شایان ذکر است که در این نوشتار، تأکید بر بیان هنجارها و قواعد الزامی حاکم بر کنشگری روحانیت بوده است. باید گفت در این مقاله به‌نوعی اصل مهم در آیین کاتولیک توجه شده است. همچنین، در تبیین این اصول، نهایت اختصار به کار گرفته شده و مطالب مفصل‌تر به مجال دیگر موکول شده است.

۱. شأن و ارزش انسان (Dignity of the Human Person)

به اعتقاد کلیسای کاتولیک، بر اساس اصل اخلاقی و آموزه محبت که در بخش قبل به آن اشاره شد، از میان تمام مخلوقات آشکار، تنها انسان می‌تواند خالقش را بشناسد و دوست بدارد. آدمی تنها مخلوق روی زمین است که خدا او را به‌خاطر خود، اراده کرده است. انسان، تنها موجودی است که دعوت شده تا از راه شناخت



و محبت در حیات خدا شریک شود. اساساً او به همین منظور آفریده شده و به همین علت، صاحب کرامت و منزلت والایی است (تعالیم کلیسای کاتولیک، ۱۳۹۳، ص ۱۳۳-۱۳۴: فراز ۳۵۶). آدمی به مثابه موجودی که به صورت خدا و شبیه حق تعالی آفریده شده است، در تعالیم کاتولیکی ذاتاً از شأن و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بر این اساس، کلیسای کاتولیک از همه توان خود برای رشد کامل نوع انسان بهره می‌گیرد و کنشگران اجتماعی (از جمله روحانیت کلیسایی) را به این مهم فرامی‌خواند. این رشد و تکامل آدمی عبارت است از رفاه و زندگی آسوده و راحت انسان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و معنوی (ر.ک: تعالیم کلیسای کاتولیک، ۱۳۹۳، فراز ۱۹۲۹-۱۹۳۳). در سند خلاصه آموزه اجتماعی کلیسای کاتولیک که به درخواست پاپ ژان پل دوم تدوین شده، چنین آمده است:

«تشکیل یک جامعه عادل فقط هنگامی به واقعیت می‌پیوندد که بر احترام به شأن متعالی و برتر شخص انسانی مبتنی باشد. آدمی، هدف غایی جامعه را به منصفه ظهور می‌رساند. ساختار اجتماع و رشد آن همواره باید در جهت منفعت آدمی عمل کند... اساساً راه دیگری برای تحقق جامعه عادلانه وجود ندارد»
(Pontifical Council For Justice And Peace, Compendium of the Social)
(Doctrines of the Church, 2005, No. 132)

اصل رعایت شأن و جایگاه و حرمت انسان به عنوان مخلوقی که هدفی خاص برای آفرینش او در نظر گرفته شده است، یکی از مهم‌ترین اصول اخلاق کنشگری اجتماعی روحانیت کاتولیک محسوب می‌گردد. در این تفسیر، رفتاری در صحنه اجتماع درست و شایسته است که مطابق با حرمت‌نهادن به شأن و جایگاه متعالی انسان باشد و ناقض این حرمت نباشد. به دیگر سخن، کنشگران اجتماعی (از جمله روحانیت کاتولیک) باید شأن و جایگاه انسان را محترم بدانند و عملی در نقض این حرمت انجام ندهند.





۲. اصل رعایت خیر عمومی (The principle of Common Good)

یکی از اصول اخلاقی که کنشگران اجتماعی، از جمله روحانیت کاتولیک، ملزم به رعایت آن هستند، رعایت خیر و منفعت عمومی است. بر اساس این اصل که برگرفته از اصل عدالت (از اصول هفت‌گانه اخلاقی مسیحیت) است، در زمان سامان‌دهی به اجتماع، چه از جنبه اقتصادی، چه سیاسی و چه حقوقی، همه باید به منافع و خیر عمومی و سود تمامی انسان‌ها توجه داشته باشیم. در این نگاه، همان‌گونه که در کتاب مقدس آمده است، آدمی باید همسایگان خویش را محترم شمارد و منافع آنان را بر منافع شخصی ترجیح دهد (کتاب مقدس، لوقا، ۱۰: ۲۵-۳۷). در شورای واتیکانی دوم آمده است:

«خداوند زمین و هر آنچه در آن است برای استفاده آدمیان و مردم در نظر گرفت. بنابراین، به رهبری عدالت و با مشارکت اصل نیک‌خواهی باید منافع خلق‌شده در زمین به‌وفور برای همه در یک حالت مناسب در نظر گرفته شود» (Second Vatican Council, Gaudium et Spes, 1965, p. 69).

۳. اصل بایستگی اخلاقی هم‌بستگی (The principle of Solidarity)

به ادعای کلیسای کاتولیک، همه انسان‌ها بخشی از خانواده بزرگ آدمیان هستند و هر کدام در ارتباط و وابستگی به دیگران و در هم‌بستگی با انسان‌های دیگر قرار دارند. این آموزه کتاب مقدس که «همسایه خود را دوست بدار» (کتاب مقدس، متی، ۴۳: ۴۵-۴۸)، ابعاد جهانی دارد و با همه انسان‌ها مرتبط است و به‌نوعی بیانگر بایستگی هم‌بستگی با دیگر انسان‌هاست. هر کدام از ما بر اساس اصل محبت و عدالت باید خویش‌تر خویش را در میان دیگران ببینیم و در حل مسائل و مشکلات جهان، خود را همکار دیگران بدانیم. هم‌بستگی یعنی اذعان به این حقیقت که همه ما انسان‌ها در این با هم بودن قرار داریم و متعهدیم جامعه را قوی‌تر کنیم و جامعه‌ای عادلانه را شکل دهیم. پاپ فرانسیس درباره این اصل اخلاق کثرتگرایی می‌گوید:

«هم‌بستگی کلمه‌ای است که معنایی بیش از بعضی رفتارهای خیرخواهانه متفرق و پراکنده دارد. هم‌بستگی به این معناست که بر اساس زندگی اجتماعی و اولویت داشتن زندگی همه بر تصاحب منافع توسط عده‌ای خاص بیندیشیم و عمل کنیم. همچنین، هم‌بستگی مبارزه با علل ساختاری فقر، نابرابری، بیکاری، بی‌زمین بودن و بی‌خانمانی، پذیرفتن حقوق اجتماعی و حقوق کار است. هم‌بستگی یعنی روبه‌رو شدن با آثار مهلک و ویرانگر حاکمیت ثروت که عبارت‌اند از جابجایی‌ها و نقل مکان‌های اجباری، مهاجرت‌های دردناک، مواد مخدر، جنگ، خشونت و همه حقایقی که بسیاری از شما از آن رنج می‌برید و همه ما برای تغییر آن خوانده شده‌ایم» (Pope Francis, 2014).

۴. اصل گزینه ترجیحی برای فقرا (The principle of Preferential Option for the Poor)

به بیان روحانیت کاتولیک، جهان اطراف ما، دربرگیرنده فقرا و ثروتمندان است. آزمون اخلاقی هر جامعه بر این پایه استوار است که با قشر آسیب‌پذیر چگونه مواجه می‌شود. محبت و عشق خداوند، پدیده‌ای جهانی است و در آن استثنایی وجود ندارد؛ بنابراین، مقتضای این اصل آن نیست که دیگر افراد جامعه را برای رفاه فقرا نابدود کنیم؛ بلکه این اصل بر آن است که بگویید ما باید آنان را که نیازمندترند، در اولویت تقسیم مواهب قرار دهیم. در کلام پاپ ژان پل دوم آمده است:

«نیازهای افراد فقیر باید نسبت به امیال افراد ثروتمند در اولویت باشند. حقوق کارگران باید بر به حداکثر رساندن سود ارجحیت یابد. حفظ محیط‌زیست باید مهم‌تر از گسترش صنعتی مهارنشده تلقی شود. تولیداتی که نیازهای اجتماع را برطرف می‌سازند باید بر تولیداتی که اهداف نظامی دارند ارجحیت یابند» (John Paul II, 1984 and See: Gerald S. Twomey, 2006).





۵. اصل مباشرت (سرپرستی) آفرینش (The principle of Stewardship of Creation)

در کلام کلیسای کاتولیک، زمین جایگاهی مقدس است و آفرینش ارزش ذاتی خود را دارد. از آنجا که ما جانشین خدا در زمین هستیم، بر اساس اصل تدبیر (از اصول هفت گانه اخلاق کاتولیک که پیش تر به آن‌ها اشاره شد)، در برابر نگهداری و تکریم تنوع زیستی، زیبایی و ویژگی‌هایی که موجب تداوم حیات می‌گردد، مسئولیم. بر اساس این اصل، ما باید زمین را برای نسل‌های بعدی محفوظ بداریم و به آن‌ها بسپاریم. در واقع، روحانی کاتولیک، به‌عنوان یک کنشگر اجتماعی، باید اجتماع را در جهت هدایت کند که زمین و مواهبش برای نسل‌های بعدی نیز باقی بماند و نابود نشود. پاپ بندیکت شانزدهم می‌نویسد:

«خانواده نیازمند خانه‌ای است که در آن، محیطی مناسب برای ارتباط شایسته اعضایش تدارک ببیند. برای خانواده انسانی، این خانه زمین است؛ محیطی که خداوند خالق به ما داده است تا در آن با خلاقیت و مسئولیت ساکن شویم. ما نیازمند مراقبت از محیط زیست هستیم: زمین به مردان و زنان به امانت داده شده است تا محفوظ بماند و به‌صورتی آزادانه و مسئولیت‌پذیر و با رعایت منفعت تمام موجودات به‌عنوان یک معیار هدایت پایدار، از آن بهره‌برداری شود» (Pope Benedict XVI, 2008).

۶. اصل مشارکت (The principle of Participation)

آدمی موجودی اجتماعی است و چگونگی زندگی اجتماعی‌اش بر شأن و جایگاه افراد و پیشرفت جامعه تأثیر می‌گذارد. همه انسان‌ها بر مبنای اصل عدالت، از این حق برخوردارند که در زندگی اجتماعی و تصمیماتی که بر زندگی آنان مؤثر است، مشارکت کنند و به هیچ دلیلی نمی‌توان آن‌ها را از این مشارکت کنار نهاد. روحانی کاتولیک کنشگر اجتماعی باید در تمام فعالیت‌های اجتماعی، همه انسان‌ها را دخالت دهد و آنان را در این راه شریک بداند. کتاب خلاصه آموزه اجتماعی

کلیسا، در سال ۲۰۰۴ میلادی، توسط شورای پاپی برای عدالت و صلح (the Pontifical Council for Justice and Peace) برای ارائه‌ی نمای کلی چارچوب بنیادی مجموعه‌ی اعتقادی آموزه‌های اجتماعی کلیسای کاتولیک به درخواست پاپ ژان پل دوم برای تحکیم و سازماندهی تعالیم اجتماعی کلیسا منتشر شد، آمده است: «مشارکت، لازمه‌ی خاص برای تابعیت محسوب می‌گردد. اساساً مشارکت در مجموعه‌ای از فعالیت‌ها که به واسطه‌ی آن‌ها شهروند - چه به‌عنوان یک فرد و چه به‌مثابه‌ی همکار با دیگران، چه به‌صورت مستقیم و چه به‌صورت اعطای نمایندگی و وکالت - در حیات فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی یک جامعه‌ی مدنی که به آن تعلق دارد، دخالت می‌کند، باعث می‌شود فرد را به معرض نمایش بگذارد. مشارکت یک وظیفه است که باید از جانب همه‌ی افراد به‌طور آگاهانه، با در نظر گرفتن مسئولیت و نگاهی به خیر عمومی به انجام برسد» (Pontifical Council For Justice And Peace , No. 189).

۷. اصل رعایت حقوق و مسئولیت‌ها (The principle of Rights & Responsibilities)

همه‌ی انسان‌ها در قبال اموری که به جایگاه و شأن انسان مربوط می‌شود و آن شأن و جایگاه را تأمین می‌کنند، به سبب اصل عدالت، صاحب‌حق هستند. حقوق از آنچه ما برای زیستن (آن‌گونه که خدا می‌خواهد) نیاز داریم، سرچشمه می‌گیرد. البته این حقوق با مسئولیت‌های ما در رعایت حقوق دیگران متصل و مرتبط شده است. ما برای رسیدن به حقوق خود در زندگی اجتماعی باید هزینه‌ای پرداخت کنیم و این هزینه، رعایت حقوق دیگران است.

به دیگر سخن، آدمیان در یک ارتباط دوسویه با یکدیگر قرار دارند. از یک سو باید حقوق دیگران را رعایت کنند و در قبال این موضوع پاسخ‌گو باشند و از سوی دیگر، برای دریافت حقوق خود مطالبه‌گر باشند. یک کنشگر اجتماعی، به‌ویژه کنشگر روحانی کاتولیک، باید به این رابطه‌ی دوسویه توجه



داشته باشد و رفتار اجتماعی خود را بر اساس این اصل سامان دهد. پاپ ژان بیست و سوم گفته است:

«تشکیل جامعه انسانی به خوبی سامان یافته، مستلزم آن است که مردم به حقوق و وظایف دوطرفه خود اذعان کنند و آن‌ها را به جا آورند. همچنین، لازمه چنین جامعه‌ای این است که هر یک از ما به طور فزاینده‌ای در تأسیس نظامی مدنی که در آن، حقوق و وظایف خالصانه‌تر و مؤثرتر تصدیق شود و به انجام برسد، مشارکت جوئیم» (Saint John XXIII, 1963).

۸. اصل عدالت اقتصادی (The principle of Economic Justice)

اقتصاد باید در خدمت مردم باشد. همه حق دارند شغلی شایسته و در شأن خود داشته باشند، دستمزدی منصفانه بگیرند و از شرایط کاری مناسب برخوردار باشند. کار کردن، چیزی بیش از یک راه برای اداره زندگی است؛ در واقع، کار کردن شکلی از ادامه مشارکت در آفرینش خداوند است. یک کنشگر اجتماعی و یک روحانی کنشگر باید برای ایجاد عدالت اقتصادی فعالیت کند و در برابر ظلم و بی‌عدالتی بکوشد؛ چراکه نادیده گرفتن این اصل از سوی کنشگر اجتماعی، مشارکت وی را در این خطای اخلاقی (یعنی ظلم و بی‌عدالتی) ترسیم می‌سازد.

«به هم پیوستگی جهانی منجر به ظهور یک قدرت سیاسی جدید یعنی قدرت مصرف‌کنندگان و انجمن‌های آن‌ها شده است. این پدیده‌ای است که باید بیشتر بررسی شود؛ زیرا حاوی عناصر مثبتی است که باید تشویق شوند. همچنین، باید از افراط و تفریط اجتناب کرد. شایسته است مردم بدانند که خرید همیشه یک عمل اخلاقی - و نه صرفاً اقتصادی - است؛ از این رو، مصرف‌کننده مسئولیت اجتماعی خاصی دارد که با مسئولیت اجتماعی شرکت تولیدکننده همراه است. نقش تعیین‌کننده‌تر برای مصرف‌کنندگان تا زمانی که خودشان



توسط مؤسسات و انجمن‌هایی که واقعاً آن‌ها را نمایندگی نمی‌کنند، دستکاری نشوند، عنصر مطلوبی برای ایجاد دموکراسی اقتصادی است» (Pope Benedict XVI, 2009).

۹. اصل اخلاقی صلح (The principle of Peace)

هنگام ارتباط درست با خدا از یک سو و با یکدیگر از سوی دیگر، صلح نتیجه عدالت و میوه نیک‌خواهی و محبت است. صلح به معنی دوستی و هماهنگی اجتماعی، در غیاب خصومت و خشونت بروز می‌یابد. در مفهوم اجتماعی، صلح معمولاً به معنی نبودن درگیری (مانند جنگ) و رهایی از ترس از خشونت بین افراد یا گروه‌هاست. طی تاریخ، کنشگران اجتماعی با به کارگیری لزوم اخلاقی برقراری صلح، از فرایند صلح‌سازی برای ایجاد نوعی محدودیت رفتاری در میان صاحبان قدرت استفاده کرده‌اند.

این محدودسازی، با بهره‌گیری از توافق‌نامه‌ها یا معاهدات گوناگون به برقراری صلح منطقه‌ای یا رشد اقتصادی به اشکال مختلف منجر شده است. چنین محدودیت رفتاری، اغلب باعث کاهش تعارضات، تعامل اقتصادی بیشتر و در نتیجه، رونق چشمگیر شده است. اکنون، روحانیت کاتولیک با در نظر گرفتن لزوم اخلاقی صلح، ضرورتاً باید در راه برقراری صلح بکوشند و این اصل اخلاقی را به منصفه ظهور برسانند. در اسناد شورای واتیکانی دوم که میان سال‌های ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۵م در واتیکان برگزار شد، آمده است:

«صلح صرفاً نبودن جنگ نیست. همچنین، نمی‌توان آن را صرفاً به حفظ توازن قوا بین دشمنان تقلیل داد. صلح توسط حکومت‌های دیکتاتوری ایجاد نمی‌شود. در عوض، به درستی و به شایستگی، آن را اقدام خطیر و مهم عدالت می‌نامند»

(Second Vatican Council, 1965, p. 78).



اصول اخلاق کنشگری اجتماعی روحانیون در آموزه‌های شیعی

اخلاق، سامانه‌ای است که بر پیروان خویش حاکم می‌شود و رفتارها، اوصاف و وضعیت‌های اختیاری آنان را در مواجهه با خود، خداوند متعال، دیگران و محیط‌زیست در جهتی مطلوب سامان می‌دهد (حسینی قلعه‌بهمن، ۱۳۹۴، ص ۱۱۴). کنشگری اجتماعی، همانند دیگر کنشگری‌ها، برای موجه‌بودن، نیازمند آن است که در چارچوب یک نظام اخلاقی قرار گیرد و البته با اصول و قواعدی که آن نظام تعریف می‌کند، محقق گردد.

اخلاق اسلامی نیز برای کنشگران اجتماعی، به‌طور عام، اصول و قواعدی را ارائه کرده است که در قالب آن اصول و قواعد، کنشگران به‌طور عام و کنشگران روحانی به‌طور خاص، به‌منزله گروه پیشرو، به فعالیت‌های اجتماعی خویش می‌پردازند. گرچه رعایت اصول اخلاق کنشگری، اغلب برای تمام کنشگران ضروری است، اما کنشگران روحانی، به‌عنوان داعیه‌داران دین، مصداق بارز تبعیت از اصول اخلاقی تلقی می‌گردند. در این بخش، مهم‌ترین اصول و قواعد کنشگری اجتماعی روحانیت شیعه را بررسی می‌کنیم و می‌کوشیم این اصول و قواعد را مبتنی بر آیات قرآن کریم، روایات معصومین علیهم‌السلام و بیانات اندیشمندان معاصر در حوزه اخلاق اجتماعی تبیین کنیم. بدین منظور، به هشت اصل مهم در کنشگری روحانیت اشاره می‌کنیم. روشن است که در این مجال کوتاه فرصت بررسی کامل و دقیق این اصول و قواعد وجود ندارد و درباره این موارد سخن به‌اختصار خواهیم گفت.

۱. اصل عدالت

آموزه‌های اسلامی، همه مردم را در شرایط مختلف به عدالت فرمان می‌دهند (نحل، ۹۰). دعوت به عدالت از چنان قوت و قدرتی برخوردار است که برخی آن را مهم‌ترین و بنیادی‌ترین اصل اخلاقی تلقی کرده و تمام هنجارهای اخلاقی را بر آن





متکی ساخته‌اند. انسان‌ها، بر اساس این اصل اخلاقی، موظف‌اند در تمام فعالیت‌های خود، بدون افراط و تفریط به عدالت رفتار کنند. حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۵ نهج البلاغه می‌فرماید:

«وَاللَّهِ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَرَوَّجَ بِهِ النِّسَاءَ وَ مَلَكَ بِهِ الْإِمَاءَ لَرَدَدْتُهُ فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً وَ مَنْ صَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضِيقُ؛ به خدا سوگند، بیت‌المال تاراج شده را هر کجا که بیایم به صاحبان اصلی آن بازمی‌گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشند؛ زیرا در عدالت گشایش برای عموم است و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمّل ستم برای او سخت‌تر است».

عدالت در اخلاق، به‌طور کلی به اعطای حق هر صاحب حقی تفسیر می‌شود. «عدل به معنای رعایت حقوق دیگران در برابر ظلم و تجاوز به کار می‌رود؛ از این رو، عدل را به معنی "اعطاء کل ذی حق حَقَّهُ" گرفته‌اند و برخی در معنای عدل توسعه داده‌اند و آن را به معنای "هر چیزی را در جای خود نهادن یا هر کاری را به وجه شایسته انجام دادن" به کار برده‌اند» (فؤادیان دامغانی، ۱۳۸۲، ص ۲۷).

با این تفسیر، عدالت در اخلاق، جلوه‌های مختلفی دارد. گاه در عرصه اخلاق فردی است و گاه در اخلاق بندگی، زمانی در اخلاق اجتماعی است و زمانی دیگر در اخلاق محیط‌زیست، رابطه انسان با محیط‌زیست را تعریف می‌کند.

ثبات و قوام اجتماع، مهم‌ترین اثر رعایت عدالت در اجتماع است. توضیح اینکه آدمیان به سبب وجود منافع مشترک از یک سو و داشتن نیازهای متقابل و گاه همگانی برای یک زندگی شایسته و در سلامت، به برقراری روابط عادلانه با یکدیگر محتاج‌اند. این روابط عادلانه، موجب شکل گرفتن یک جامعه استوار و قدرتمند می‌گردد؛ چراکه در آن جامعه، حق هر کسی به او داده می‌شود و البته کسی را یارای تجاوز به حق دیگران نیست. بدین شکل، حتی حاکمیت بهتر می‌تواند به اداره اجتماع بپردازد و در نهایت، استواری دین حاصل می‌گردد.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«جَعَلَ اللَّهُ الْعَدْلَ قِوَامًا لِلْإِنَامِ وَ تَنْزِيهَا مِنَ الْمَظَالِمِ وَالْإِثَامِ وَ تَسْنِيَةً لِلْإِسْلَامِ؛ خداوند، عدالت را برای استواری مردم و پاکیزگی از ستم و گناهان و وسیله علو و سربلندی اسلام قرار داده است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ص ۳۴۱).

به هر حال، یک کنشگر اجتماعی که مزین به نام روحانیت است، برای انجام رسالت خویش باید اصل عدالت را محترم شمارد و از رفتارهای ناقض عدالت و ارتکاب ظلم اجتناب ورزد.

۲. اصل بایستگی امین بودن کنشگر اجتماعی

انسان‌ها، در مسیر حیات فردی و اجتماعی خویش، در راه رسیدن به مقصود، و در مواجهه با وقایع و رخداد‌های مختلف، دو ایده بزرگ و کاربردی دارند. ایده نخست این است که در این راه بدون یاری گرفتن از دیگران قدم بردارند، هر لحظه با پدیده‌ای تازه مواجه شوند، با تأمل و دقت از آن پدیده عبور کنند، واکنشی مناسب در قبال آن داشته باشند و تجربه جدیدی به دست آورند.

ایده دوم این است که به تجربه دیگران در این مسیر مراجعه کنند و با کمک گرفتن از دیگران و اعتماد به آن‌ها، هزینه‌های مواجهه با رخداد‌های گوناگون زندگی را کاهش دهند. ایده نخست، راهکاری است همانند قدم برداشتن در تاریکی، بدون داشتن ابزار مفید و پیش‌بینی شده. اما ایده دوم، کم هزینه و نتیجه آن قابل محاسبه است. با وجود این، سؤال اصلی این است که انسان به تجربه چه کسی می‌تواند مراجعه کند و راه را برای خود هموار و آشکار سازد؟ نخستین لازمه این راهکار، وجود راهنمای امین و هدایت‌گر قابل اعتماد است.

امین بودن و معتمد بودن، بی‌تردید یکی از اصول اخلاقی حاکم بر کنشگران اجتماعی (به‌ویژه کنشگران در سلک روحانیت شیعه) محسوب می‌گردد. امین و امانت‌دار، کسی است که هرگاه چیزی که به او واگذار می‌شود، آن را در نهایت دقت و سلامت محفوظ بدارد و به صاحب اصلی‌اش واگذار کند.





امین کسی است که بر وی اعتماد کنند و از او ایمن باشند (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل امین). قرآن کریم انسان‌ها را به امانت‌داری امر فرموده است: ﴿فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الْأُدَىٰ أَوْثَمِينَ أَمَانَتُهُ وَ لِيَتَّقِيَ اللَّهُ رَبَّهُ﴾؛ اگر کسی از شما دیگری را امین دانست، آن کسی که امین شمرده شده باید امانت وی را باز پس دهد و باید از خداوند که پروردگار اوست پروا کند» (بقره، ۲۸۳).

امین‌بودن و امانت‌داری، جلوه‌های گوناگونی دارد. امین‌بودن در حفظ اشیای به امانت سپرده‌شده، امین‌بودن در حفظ اسرار دیگران، امین‌بودن در ارائه راه و هدایت‌گری و امین‌بودن در قضاوت، از جمله موارد پرشمار امین‌بودن محسوب می‌گردد. پیامبر گرامی اسلام، در مقام نخستین کنشگر اجتماعی عالم اسلام، از این ویژگی بزرگ برخوردار بودند و این اصل ارزشمند اخلاقی را در کنشگری اجتماعی خویش به کار می‌بستند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در بیانی به این موضوع اشاره می‌فرماید:

«امین‌بودن و امانت‌داری او چنان بود که در دوران جاهلیت او را به «امین» نام‌گذاری کرده بودند و مردم هر امانتی را که برایش بسیار اهمیت قائل بودند، دست او می‌سپردند و خاطر جمع بودند که این امانت به آن‌ها سالم برخواهد گشت. حتی بعد از آنکه دعوت اسلام شروع شد و آتش دشمنی با قریش بالا گرفت، در همان احوال هم باز همان دشمن‌ها اگر می‌خواستند چیزی را در جایی امانت بگذارند، می‌آمدند و به پیامبر می‌دادند. لذا شما شنیده‌اید که وقتی پیامبر اکرم به مدینه هجرت کرد، امیرالمؤمنین را در مکه گذاشت تا امانت‌های مردم را به آن‌ها برگرداند. معلوم می‌شود که در همان اوقات هم مبالغی امانت پیش آن بزرگوار بوده است؛ نه امانت مسلمانان، بلکه امانت کفار و همان کسانی که با او دشمنی می‌کردند» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۹).

۳. اصل تعاون و همکاری

همه انسان‌ها را کبان یک کشتی با امکانات فراوان اند و البته نیازمند صرف نیرو و تلاش همگانی برای حرکت. برای حرکت مناسب این کشتی، در جهتی مطلوب، لازم است همه مسافران تمام نیروی خود را در جهت مورد نظر متمرکز کنند. کنشگران اجتماعی همانند سکان‌دارن این کشتی، مسئولیت هدایت آدمیان را در جهت تمرکز در مسیر مطلوب دارند. این افراد در وهله نخست باید نیروهای خویش را در مسیری درست متمرکز کنند و در گام دوم، توان و نیروی دیگران را به آن مسیر سوق دهند.

اصل تعاون و همکاری، از همین موضوع حکایت دارد. در لغت‌نامه دهخدا، تعاون با عبارات هم‌پشت شدن، یکدیگر را یاری کردن، یاری کردن بعضی قوم بعضی دیگر را و با هم مددکاری یکدیگر کردن، معنا شده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل تعاون). تعاون هم به معنی شریک شدن در فعالیت‌های مردم و همکاری با آنهاست و هم به معنی مشارکت دادن آدمیان در این فعالیت‌ها و یاری گرفتن از آنها.

یک کنشگر اجتماعی، به‌ویژه روحانی شیعه، با بهره‌گیری از امکاناتی که در عالم تدارک دیده شده است، در جهت تأمین خیر و منافع دنیوی و اخروی آدمیان، تکلیف بزرگی بر عهده دارد که این تکلیف بدون یاری و همکاری (و به تعبیر بهتر، تعاون همگان) حاصل نمی‌گردد.

البته باید در نظر گرفت که در ادبیات اسلامی-شیعی، همکاری و تعاون به‌طور مطلق مطلوب نیست؛ بلکه تعاون در راه خیر و نیکی و برای اعتلای زندگی انسانی و الهی مورد نظر قرار گرفته است. در آیه دوم سوره مائده آمده است: ﴿...وَتَعَاوَنُوا

عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾؛ و در نیکوکاری و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید».



نکته مهم و اساسی در معنای تعاون در فرهنگ اسلامی و شیعی، توجه به خیرات اخروی در مطلوبیت تعاون است. همان گونه که در آیه بالا اشاره شد، ارزش یاری‌رسانی مطلوب برای نیکی و تقوای الهی، از مواهب دنیوی فراتر است و نتایج اجتناب از همکاری در گناه و دشمنی، در آخرت نمایان خواهد شد.

در کنشگری اجتماعی، تعاون به اشکال مختلفی خود را نشان می‌دهد: تعاون و همکاری در کارهایی از قبیل زراعت، تجارت، دامداری و غیره؛ تعاون و همکاری در انجام امور فرهنگی و پاسخ‌گویی به عطش معنوی جامعه و ارتقای سطح معنویت و تعاون و همکاری در امور نظامی و جنگ‌ها. کنشگر روحانی باید در کنشگری خویش به موضوع تعاون و همکاری دقت فراوان داشته باشد و فعالیت خود را در آن چارچوب سامان دهد.

۴. اصل بر و نیکوکاری (احسان)

زندگی روزمره آدمیان، فرازونشیب‌های بسیاری دارد. گاهی روی خوش به انسان نشان می‌دهد و او را در خوشی فرومی‌برد و گاه روی دیگرش را به رخ می‌کشد و مجال را برای داشتن حالت مطلوب تنگ می‌کند.

احسان و نیکوکاری، تضمین زندگی انسانی است. هنگام خوشی، آدمی باید در رفتار با دیگران، احسان و نیکوکاری را پیشه خود سازد و هنگام ناخوشی، از سوی دیگران احسان و نیکوکاری دریافت کند. احسان و نیکوکاری یعنی انجام کار صالح و نیک و بخشیدن نعمت به دیگران، بدون توقع پاداش متقابل و جبران کار خوب.

«اصل احسان برای جبران کمبودها و نیازهای برخی افراد جامعه است. افرادی که نقص عضو مادرزادی دارند یا بر اثر حوادثی نقص عضو پیدا کرده‌اند، این نوع افراد قادر به کار نیستند و نمی‌توانند در جامعه نقشی ایفا کنند. پس لازم است افراد دیگر، به شکلی بار زندگی آنان را به دوش کشند و بر جامعه لازم است که زندگی



این افراد را اداره یا دست کم نیازهای اولیه و ضروری آنان را تأمین کنند» (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۳۰۹).

احسان و نیکوکاری گستره وسیعی دارد که توجه به آن، موضوع بااهمیت و شایسته‌ای است. توضیح تفصیلی این موضوع را به مجال دیگری واگذار می‌کنیم. اما کنشگر اجتماعی و البته یک کنشگر روحانی، به‌طور قطع باید در زمره افراد نیکوکار باشد و در زمان خود با این عنوان شناخته شود. بدون احسان و نیکوکاری نمی‌توان توقع داشت فرد در امر کنشگری، درست عمل کند. امروزه گروه‌های جهادی که به‌نوعی جزو سازمان‌های مردم‌نهاد در عرصه کنشگری اجتماعی محسوب می‌شوند، با احسان و نیکوکاری به فعالیت اجتماعی خود اعتبار و جلوه خاص می‌بخشند. در آموزه‌های اسلامی، حتی توصیه می‌شود که اگر کسی به نیکوکاری مشغول است، کنشگر اجتماعی باید به یاری او بشتابد و آن فرد یا گروه را تنها رها نکند.

«نیکوکار را کمک کنند؛ این یک وظیفه است. اگر دیدید کسی مشغول کار نیکی است، خدمتی دارد می‌کند - چه خدمت مالی به مردم، چه خدمت علمی، چه خدمت اجتماعی، چه خدمت سیاسی - نباید بگوییم "خیلی خوب، دارد وظیفه‌اش را انجام می‌دهد، بکند"، ما هم از کنار عبور کنیم. نه، وظیفه است که اگر دیدید کسی کار خوبی می‌کند و احسان دارد می‌کند - هر نوع احسانی - باید به این کمک کنید. این حقی است بر گردن مردم یا حالا به معنای دوم بگوییم حقی است برای این گونه افراد که طبعاً بر گردن سایر افراد خواهد بود» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۳).

۵. اصل محبت و رأفت

اصل اخلاقی محبت در همه ادیان و فرهنگ‌ها، از جایگاه خاصی برخوردار است. در فرهنگ اسلامی، قرآن کریم منبع عظیم بحث درباره محبت است، چنان که انسان





متدین را محب و محبوب حق دانسته و محبان و محبوبان را بهترین جانشینان برای مرتدان شمرده است (مائده، ۵۴). همچنین، عرفا دربارهٔ محبت چنین می‌گویند:

«اساس خلقت بر مبنای محبت است؛ یعنی اگر محبت نمی‌بود، آفرینش هم نبود؛ زیرا محرک و نخستین جاذبه‌ای که بنای آفرینش را گذاشت، محبت الهی بود و این به استناد حدیث قدسی "کنت کنزاً مخفياً" است که حضرت ذوالجلال خواست، جمال برایش آشکار شود، ازین رو وجود عالم و آدم و همه کائنات را آئینهٔ جمال و آیت روی بی‌مثال خود قرار داد و آفرینش را رقم زد و جمال جمیل هستی را فرع و تابع جمال خود قرار داد. پس هر جا جلوه‌ای هست، تجلی جمال اوست و هر نوری، ظهوری، وجودی، جاذبه‌ای و افاضه‌ای که هست از محبت و عشق او متجلی است» (اسماعیلی و کریم‌آبادی، ۱۳۹۷، ص ۸۵-۸۹؛ بهشتی، ۱۳۹۱، ص ۳۰۲).

اکنون محبت در چنین جایگاه والایی در میان انسان‌ها نیز خود را به نمایش گذاشته است. محبت و عمل محبت‌آمیز، عملی است که در آن منفعت شخص مورد محبت در نظر گرفته شود و شخص محبت‌دهنده نباید انتظار برگشت و جبران داشته باشد (حسینی قلعه‌بهمن، ۱۳۹۶، ص ۹۵). به‌طور قطع، در اندیشهٔ اسلامی، پیامبر گرامی اسلام ﷺ عالی‌ترین نوع محبت را به خدا و مخلوقات خدا دارد. مقام معظم رهبری در تبیین محبت آن حضرت فرموده است:

«عاطفهٔ پیغمبر و محبت و احساس نرمش و عطف او نسبت به افراد انسان، به‌صورت یک خط‌مشی است، نه یک حالت زودگذر موضعی و شخصی و ناشی از ضعف. بعضی‌ها از روی ضعف، بدون اینکه خودشان هم بخواهند، یک جا حالت ترحم و تأثر پیدا می‌کنند، به حال یک نفر هم گریه می‌کنند؛ این ارزشی ندارد... پیغمبر با آن کسانی که با اسلام مبارزه می‌کنند، با هدف رهایی انسان‌ها و تکامل انسان‌ها که هدف غایی پیغمبر است می‌جنگند و راه پیغمبر را به‌سوی این هدف می‌بندند، با کمال شدت رفتار می‌کند، خشونت هم

می‌کند. البته این خشونت هم بدون این است که یک کینه زیادی به خرج بدهد؛ در میدان جنگ وقتی دشمن افتاد و کشته شد، دیگر با او کاری ندارد» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۶۵).

بر این اساس، روحانی کنشگر اجتماعی، به پیروی از اسوه اخلاقی اسلام، حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله، باید اولین نگاهش به مردم، نگاهی از روی محبت باشد و برای تحقق اصل محبت در میان مخلوقات خدا اقدام کند.

۶. امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف، یعنی فرمان دادن به انجام اعمال نیکو و داشتن اوصاف شایسته و نهی از منکر، بر حذر داشتن دیگران از ارتکاب رفتارهای خطا و اوصاف ناشایست است. بر اساس اصل محبت، در زندگی اجتماعی، انسان نمی‌تواند فقط منفعت خود را ببیند و فقط به موقعیت و جایگاه خود توجه داشته باشد و به خاطر محافظت از دیگران، در اوضاع و احوال آنان دخالت نکند. در این منظر، هنگامی که کنشگر اجتماعی مشاهده کرد که فردی به جامعه خسارت می‌زند باید با دخالت مناسب، مانع زیان رساندن او به اجتماع گردد. بایستگی امر به معروف و نهی از منکر عنوان این اصل اخلاقی در کنشگری اجتماعی است.

به دیگر سخن، محبت و دوستی در میان افراد یک جامعه عبارت است از اینکه آدمیان به طور اعم و مؤمنان و مؤمنات به طور اخص، به هم محبت دارند، یکدیگر را دوست دارند و دلسوز همدیگر هستند؛ لذا نمی‌خواهند به گناه مبتلا شوند یا به عملی دست بزنند که نهایت آن، عذاب ابدی است. محبت حاکم بر مؤمنان و مؤمنات ایجاب می‌کند که امر به معروف و نهی از منکر در میان آنها وجود داشته باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۲۳۳).

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ





وَرَسُوْلَةٌ اَوْلٰیكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللّٰهُ اِنَّ اللّٰهَ عَزِیْزٌ حَكِيْمٌ؛ و مردان و زنان باایمان، دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده وامی‌دارند و از کارهای ناپسند بازمی‌دارند و نماز را برپا می‌کنند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند. آنان‌اند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که خدا توانا و حکیم است» (توبه، ۷۱).

این اصل اخلاقی به قدری در میان اندیشمندان مسلمان بااهمیت است که به اعتقاد شهید مرتضی مطهری، ترک امر به معروف و نهی از منکر، در کنار ظلم، تفرق، غرقه شدن در مادیات و فساد اخلاق یکی از اصلی‌ترین عوامل سقوط جوامع است (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۰: ص ۴۳۲).

اما دلیل بایستگی این اصل اخلاقی، پیوستگی اجزای جامعه و اجتماع دانسته شده است. در این تبیین آمده است که همانند بدن یک موجود جاندار، میان اجزای جامعه نیز پیوستگی وجود دارد. بر این اساس، همان‌طور که در زمان گرفتاری و آسیب‌دیدگی، همه قسمت‌های بدن موجود جاندار سهیم‌اند و از سهم خون خود برای برطرف ساختن جراحت کم می‌گذارند تا عضو آسیب‌دیده ترمیم شود، در اجتماع اسلامی نیز اوضاع از همین قرار است.

البته نکته مهم این است که در اجتماع، این ارتباط و هم‌یاری فقط در زمینه امور مادی نیست، بلکه مهم‌تر از آن، در زمینه امور معنوی نیز وجود دارد. پس در اسلام، فرد در برابر رفیق، همسایه و جامعه، هم در امور مادی و هم در امور معنوی، مسئول است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۷) و این موضوع با رعایت اصلی مهم و اساسی به نام بایستگی امر به معروف و نهی از منکر میسر می‌گردد.

۷. اصل خیرخواهی و نیک‌خواهی

در لغت‌نامه دهخدا آورده شده که نیک‌خواهی به معنی خیرخواهی، خیراندیشی، موالات، دوستی، شفقت و مصلحت‌اندیشی است (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل

نیک خواهی). خیر خواهی و نیک خواهی به قدری مهم است که عده‌ای در اخلاق اجتماعی، آن را مهم‌ترین اصل اخلاقی در نظر می‌گیرند (مصباح یزدی، ۱۳۸۷-۱۳۸۸، جلسهٔ چهارم و هشتم). در واقع، نیک خواهی و خیر خواهی در دو عرصه خود را نشان می‌دهد. عرصهٔ نخست، ارادهٔ رفتارهای نیک و خیر برای دیگران و عرصهٔ دوم، ارادهٔ اندیشه‌های نیکو برای دیگران.

حضرت علی علیه السلام در نامهٔ ۵۳ نهج البلاغه چنین می‌فرماید:

«و همانا برترین روشنی چشم زمام‌داران، برقراری عدل در شهرها و آشکارشدن محبت مردم نسبت به رهبر است که محبت دل‌های رعیت جز با پاکی قلب‌ها پدید نمی‌آید و خیر خواهی آنان زمانی است که با رغبت و شوق پیرامون رهبر را گرفته و حکومت، بار سنگینی را بر دوش رعیت نگذاشته باشد و طولانی شدن مدت زمام‌داری بر ملت ناگوار نباشد» (نهج البلاغه، نامهٔ ۵۳).

به بیان حضرت علی علیه السلام، مردم وقتی به زمام‌داران علاقه نشان می‌دهند که آنان از خود خواهی دور شده و به خیر خواهی برای مردم سوق یافته باشند. در این صورت، مردم نیز خیر خواه حاکمان می‌شوند و آرزوی خاتمهٔ حکومت آنان را ندارند.

کنشگر اجتماعی، به خصوص روحانی کنشگر، به طور قطع باید این اصل اخلاقی را به بهترین نحو رعایت کند؛ در غیر این صورت، او در فعالیت اجتماعی خویش ناکام و ناتوان خواهد بود. مقام معظم رهبری، در بیان لزوم رعایت اصل نیک خواهی توسط روحانیت مستقر در دانشگاه، فرمود:

«جوان مرکز عواطف و احساسات است؛ واردات روحی زیادی دارد - همچنان که واردات ذهنی هم دارد - جایی احتیاج است که جوان بتواند خود را در آنجا، در پناه یک روح بزرگ و دل صبور و نفسی مهربان و نیک خواهی قرار دهد. این دل صبور، فکر بلند و روح نیک خواه عبارت است از همین روحانی که دردها و مشکلات را می‌شنود، راهنمایی‌های لازم را می‌کند، هم‌دردی و طبابت معنوی و





روحی می‌کند. البته اگر یک روحانی به این نقطه رسید، باید بداند که کارش در دانشگاه موفق بوده است. اگر هنوز به این نقطه نرسیده‌اند، بدانید کمبودی در کار است» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۵).

اگر کنشگر روحانی در دانشگاه، به‌طور خاص و در اجتماع، به‌طور عام، از خیرخواهی و نیک‌خواهی بی‌بهره باشد، در همراه کردن مردم با خود، ناتوان و در فعالیت اجتماعی خویش، ناکام خواهد ماند.

۸. وفای به عهد و پیمان

به بیان قرآن کریم، وفای به عهد یکی از ویژگی‌های اصلی افراد باایمان است: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»؛ و آنان که امانت‌ها و پیمان خود را رعایت می‌کنند» (مؤمنون، ۸). همچنین، نیکوکاران، از این شاخصه برخوردارند که بر عهد و پیمان خود، پایدارند و آن را نقض نمی‌کنند:

«نیکوکاری آن نیست که روی خود را به‌سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید، بلکه نیکویی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد، و مال [خود] را با وجود دوست‌داشتنش، به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و درراه‌ماندگان و گدایان [و در راه آزاد کردن بندگان] بدهد و نماز را بر پای دارد و زکات بدهد. و آنان که چون عهد بندند، به عهد خود وفادارانند و در سختی و زیان و هنگام جنگ شکیبایان‌اند. آنان‌اند کسانی که راست گفته‌اند و آنان همان پرهیزکاران‌اند» (بقره، ۱۷۷).

مرتضی مطهری، بعد از بیان نکاتی از عهدنامه مالک اشتر آورده است: «پیمان را باید وفا کرد؛ چون این يك امری است که از وجدان انسان سرچشمه می‌گیرد و به عقیده خاصی مربوط نیست که کسی بگوید چون در دین ما دستور رسیده، پس من عمل کنم و دیگری بگوید ولی در دین ما نیست،

پس لازم نیست عمل کنم. می گوید این را وجدان هر بشری حکم می کند»
(مطهری، ۱۳۹۳، ج ۲۶: ص ۳۰۸).

با توجه به مطالبی که گذشت، کنشگر اجتماعی، در زمره نیکوکاران قرار دارد و در صورتی که به عهد خویش وفادار نباشد، نباید منتظر نتیجه بخشی فعالیتش باشد.

مقایسه و تطبیق

در بخش های گذشته، اصول اخلاقی کنشگری روحانیت در مذهب کاتولیک در مسیحیت و مذهب شیعه در اسلام را بررسی کردیم. در این مجال، به اختصار به مقایسه و تطبیق این دو مذهب در عرصه اصول یادشده توجه می کنیم و تشابه ها و تفاوت های آن دو را مدنظر قرار می دهیم.

۱. ویژگی اساسی اصول اخلاقی کنشگری در مذهب شیعه آن است که هم به دنیای مردم و اجتماع نظر دارد و هم به آخرت و حیات پس از مرگ. در حالی که تمرکز مذهب کاتولیک، آبادانی دنیای مردم و اجتماع است و کمتر به حیات پس از مرگ انسان ها توجه نشان می دهد؛ برای نمونه، در اسلام وقتی سخن از تعاون و همکاری است، تعاون در خیرات دنیوی و اخروی است و نیک خواهی اعم از نیک خواهی در حیات دنیوی و اخروی است؛

۲. محور اصلی اصول اخلاقی کنشگری روحانیت شیعه، بی تردید، محبت و عدالت است. به دیگر سخن، در تمام اصول یادشده، رگه های محبت و عدالت ورزی به دیگران و اجتماع کاملاً مشهود و آشکار است. در طرف دیگر، در مذهب کاتولیک، بیشتر بر مشارکت و همکاری در بهره برداری از مواهب دنیوی تأکید شده است؛

۳. می توان تناظری میان برخی از اصول اخلاقی کنشگری در روحانیت کاتولیک و شیعه برقرار کرد، اما با وجود این تناظر، تفاوت هایی در گستره و عمق



میان این دو دیده می‌شود؛ برای مثال، اصل عدالت در کاتولیک، فقط عدالت اقتصادی است، در حالی که در شیعه همه عرصه‌های حیات اجتماعی آدمی مدنظر قرار گرفته است. همچنین، اصل رعایت خیر عمومی، بیشتر خیر و منفعت اقتصادی است، حال آنکه اصل خیرخواهی و نیک‌خواهی، هر نوع خیری را در نظر دارد؛

۴. به نظر می‌رسد مذهب کاتولیک در ترسیم این اصول به شدت تحت تأثیر فشارهای اطراف قرار دارد. تأکید بیش از حد بر مباحث اقتصادی و در نظر گرفتن رویکردهای سودگرایانه، این فشارها را نشان می‌دهد. در طرف مقابل، اصول اخلاقی کنشگری شیعه، بر مبانی دینی استوار است و تحت تأثیر فشارهای خارجی اعلان نظر نشده است؛

۵. جای بعضی از اصول اخلاقی ناظر به کنشگری روحانیت شیعه، در مذهب کاتولیک خالی است و مذهب کاتولیک فاقد آنهاست. تأکید بر بایستگی صلح از آن جمله است؛

۶. بعضی از اصول نیز در مذهب شیعه وجود دارد که در آیین کاتولیک نشانی از آنها دیده نمی‌شود؛ بایستگی امر به معروف و نهی از منکر، امین بودن و وفای به عهد از آن جمله است؛

۷. برخی اصول در مذهب شیعه دیده می‌شوند که چند اصل از اصول اخلاقی کاتولیک را در بر دارند؛ اصل تعاون و همکاری می‌تواند اصول هم‌بستگی، مباشرت و مشارکت را شامل گردد یا اصل محبت و رأفت می‌تواند اصول رعایت خیر عمومی و گزینه ترجیحی برای فقرا و یا رعایت حقوق و مسئولیت‌ها را شامل شود.



نتیجه گیری

در این نوشتار، نخست تعریف چند واژه مهم ارائه شد و سپس، اصول اخلاق کنشگری در دو مذهب کاتولیک و شیعه تبیین گردید. در این بخش، اصول اخلاقی بایستگی شأن و ارزش انسان، رعایت خیر عمومی، بایستگی اخلاقی هم‌بستگی، گزینه ترجیحی فقرا، بایستگی مباشرت، اصل مشارکت، اصل رعایت حقوق و مسئولیت‌ها، بایستگی عدالت اقتصادی و اصل لزوم ایجاد صلح در آیین کاتولیک مورد توجه قرار گرفت. در اندیشه اخلاقی شیعه نیز اصولی چون اصل عدالت، اصل امین بودن، اصل تعاون، اصل نیکوکاری، اصل محبت و رأفت، اصل امر به معروف و نهی از منکر، اصل خیرخواهی و اصل وفای به عهد بر شمرده شد. در پایان، این اصول با هم مقایسه شدند و به موارد تشابه و افتراق این دو مذهب اشاره شد.





کتاب نامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. کتاب مقدس.
۴. اسماعیلی، امیر و حسین کریم آبادی (۱۳۹۷)، کلمات مکنونه: شرح استاد غلامحسین ابراهیمی دینانی بر الکلمات المکنونه ملامحسن فیض کاشانی، تهران: نور سخن.
۵. تعالیم کلیسای کاتولیک (۱۳۹۳)، ترجمه احمدرضا مفتاح، حسن قنبری و حسین سلیمانی، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۶. بهشتی، محمد (۱۳۹۱)، آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن (۵)، فیض کاشانی، چ ۳، تهران و قم: سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتاب الإسلامی.
۸. توفیقی، حسین (۱۳۸۵)، آشنایی با ادیان بزرگ، چ ۹، قم: مؤسسه فرهنگی طه.
۹. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۵/۸/۱۰)، بیانات در شب رحلت پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و شهادت امام حسن مجتبی عَلَيْهِ السَّلَام در کانون توحید تهران، برگرفته از:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46657>
۱۰. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۳/۱/۳۰)، شرح حدیث در ابتدای جلسه درس خارج فقه، برگرفته از:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45930>
۱۱. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۵/۶/۱۹)، بیانات در دیدار مسئولان نمایندگی‌های ولی فقیه در دانشگاه‌ها، برگرفته از:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24768>



۱۲. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۹/۲/۲۳)، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران.
۱۳. حسینی قلعه‌بهمن، سیداکبر (۱۳۹۶)، «تحلیل گد اخلاقی "محبت" در آیین کاتولیک»، اخلاق پژوهی، دوره ۱، ش ۳ (پیاپی ۳)، ص ۹۲-۱۱۰.
۱۴. حسینی قلعه‌بهمن، سیداکبر (۱۳۹۴)، «تحلیلی بر ساختار نظام اخلاقی در ادیان»، معرفت ادیان، سال ۷، ش ۱ (پیاپی ۲۵)، ص ۱۱۳-۱۲۹.
۱۵. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. فوادیان دامغانی، رمضان (۱۳۸۲)، سیمای عدالت در قرآن و حدیث، تهران: لوح محفوظ.
۱۷. گریدی، جوان، ا. (۱۳۷۷)، مسیحیت و بدعت‌ها، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، قم: طه.
۱۸. کونگ، هانس (۱۳۸۴)، تاریخ کلیسای کاتولیک، ترجمه حسن قنبری، قم: ادیان.
۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲)، انسان‌سازی در قرآن، تنظیم و تدوین محمود فتحعلی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲)، آذرخشی دیگر از آسمان کربلا، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۷-۱۳۸۸)، سیمای شیعیان در کلام / امیرمؤمنان علیه السلام؛ درس اخلاق سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸، جلسه چهل و هشتم. برگرفته از: <https://mesbahyazdi.ir/node/98/47> - شیعیان - سیمای - هشتم - و - چهل
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱)، بزرگ‌ترین فریضه، نگارش قاسم شبان‌نیا، چ ۴، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۳. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، یادداشت‌های شهید مطهری، تهران: صدرا.
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۹۳)، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران: صدرا.

۲۵. هولمز، رابرت ال. (۱۳۸۹)، *مبانی فلسفه اخلاق*، ترجمه مسعود اولیاء، تهران: ققنوس.

۲۶. یعقوبی، عبدالرسول (۱۳۹۱)، «معناشناسی واژه روحانیت»، *معرفت فرهنگی اجتماعی*، سال ۳، ش ۴، ص ۵-۲۰.

27. Cambridge dictionary Retrieved from: [https:// dictionary.cambridge.org/dictionary/english/activism](https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/activism).

28. Gerald S. Twomey, (2006), "Pope John Paul II and the Preferential Option for the Poor Pope John Paul II and the Preferential Option for the Poor", *Journal of Catholic Legal Studies*, Vol. 45, No. 2, article 8, p. 49-69.

https://www.vatican.va/archive/hist_councils/ii_vatican_council/documents/vat-ii_const_19651207_gaudium-et-spes_en.html.

29. Oxford Advanced Learner's Dictionary, Retrieved from http://oald8.oxfordlearnersdictionaries.com/dictionary/activism#activist__13

30. *Pontifical Council For Justice And Peace* (2005), Compendium of the Social Doctrine of the Church, Retrieved from:

https://www.vatican.va/roman_curia/pontifical_councils/justpeace/documents/rc_pc_justpeace_doc_20060526_compendio-dott-soc_en.html

31. Pope Benedict XVI (2008), World Day of Peace 2008, 7.

Message Of His Holiness Pope Benedict Xvi For The Celebration Of The World Day Of Peace 1 January 2008. Retrieved from: https://www.vatican.va/content/benedict-xvi/en/messages/peace/documents/hf_ben-xvi_mes_20071208_xli-world-day-peace.html.





32. Pope Benedict XVI (2009), *Caritas in Veritate*, Charity in Truth, 66, June 29 , First Published in the St. Bartholomew Bulletin: September.
33. Pope Francis (2014), World Meeting of Popular Movements, Old Synod Hall Tuesday, 28 October 2014. Retrieved from: https://www.vatican.va/content/francesco/en/speeches/2014/october/documents/papa-francesco_20141028_incontro-mondiale-movimenti-popolari.html.
34. Robinson, Luke (2008), “Moral Principles Are Not Moral Laws”, *Journal Of Ethics & Social Philosophy*, Vol. 2, No. 3, p. 2–25.
35. Saint John Paul II (1984), Address on Christian Unity in a Technological Age, Toronto, 1984. Retrieved from: [https:// www.vatican.va/content/john-paul-ii/en/speeches/1984/september/documents/hf_jp-ii_spe_19840914_confessioni-cristiane.html](https://www.vatican.va/content/john-paul-ii/en/speeches/1984/september/documents/hf_jp-ii_spe_19840914_confessioni-cristiane.html)
36. Saint John XXIII (1963), *Pacem in Terris*, 31. Encyclical Of Pope John Xxiii On Establishing Universal Peace In Truth, Justice, Charity, And Liberty, April 11, 1963. Retrieved from: [https:// www.vatican.va/content/john-xxiii/en/encyclicals/documents/hf_j-xxiii_enc_11041963_pacem.html](https://www.vatican.va/content/john-xxiii/en/encyclicals/documents/hf_j-xxiii_enc_11041963_pacem.html).
37. *Second Vatican Council* (1965), *Gaudium et Spes*, Retrieved from:
38. *The free dictionary*, (2018), Retrieved from [https:// www.thefreedictionary.com/moral+principle](https://www.thefreedictionary.com/moral+principle))

References

1. *The Holy Quran*.
2. *Nahj o lbalagh*.
3. *The Bible*.
4. Beheshti, Mohammad (2012), *The views of Muslim scientists in education and its principles (5)*, Feyz Kashani, ed. 3, Tehran and Qom: position and research institute and university.
5. Cambridge dictionary Retrieved from: <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/activism>
6. *Catechism of the Catholic Church* (2014), translated by Ahmad Reza Meftah, Hassan Ghanbari and Hossein Soleimani, Qom: University of Religions and Religions Publications.
7. Dehkhoda, Ali Akbar (1998), *Dictionary*, Tehran: Tehran University Press.
8. Fouadian Damghani, Ramadan (2003), *The Image of Justice in the Quran and Hadith*, Tehran: Preserved Tablet.
9. Gerald S. Twomey, (2006), “*Pope John Paul II and the Preferential Option for the Poor Pope John Paul II and the Preferential Option for the Poor*”, *Journal of Catholic Legal Studies*, Vol. 45, No. 2, article 8 , p. 49–69.
10. Gridi, Javan, A. (1998), *Christianity and Heresies*, translated by Abdolrahim Soleimani Ardestani, Qom, Taha.
11. Holmes, Robert L. (2010), *Fundamentals of Philosophy of Ethics*, translated by Massoud Olia, Tehran: Phoenix.
12. Hosseini Ghaleh Bahman, Seyyed akbar (2015), “Analysis of the structure of the moral system in religions”, *Knowledge of Religions*, Vol. 7, No. 1 (25), p. 113-129.
13. Hosseini Ghaleh Bahman, Seyyed akbar (2017), “Analysis of the moral code of love in the Catholic religion”, *Ethics of Research*, Vol. 1, Issue 3 (3), p. 92-110.
14. Hosseini Khamenei, Seyyed Ali (1986), *Statements on the night of the death of the Great Prophet (PBUH) and the martyrdom of Imam Hassan Mojtaba (AS) in the center of monotheism in Tehran*, taken from: <https://farsi.khamenei.ir / speech-content? id = 46657>
15. Hosseini Khamenei, Seyyed Ali (1996), *Statements in the meeting of the officials of the representatives of the Supreme Leader in universities*, taken from: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24768>
16. Hosseini Khamenei, Seyyed Ali (2000), *Statements in the sermons of Tehran Friday prayers*.
17. Hosseini Khamenei, Seyyed Ali (2004), *Explanation of Hadith at the beginning of the session outside of jurisprudence*, taken from: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45930>
18. Ismaili, Amir and Hossein Karimabadi (2018), *Kalamat Maknoneh: Master Gholam Hossein Ebrahimi Dinani's commentary on the Kalamat al-Maknoneh of Mullah Mohsen Faiz Kashani*, Tehran: Noor Sokhan.
19. Kung, Hans (2005), *History of the Catholic Church*, translated by Hassan Ghanbari, Qom: Religions.
20. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (2003), *Another Lightning from the Sky of Karbala*, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
21. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (2012), *The Greatest Obligation*, written by Qasem Shabanania, ed. 4, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
22. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (2013), *Humanization in the Qur'an*, edited by Mahmoud Fathali, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
23. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi, (2008-2009), *The image of Shiites in the words of Amir al-Mo'menan (AS)*; Ethics course in 2008 and 2009, forty-eighth session. Retrieved from: <https://mesbahyazdi.ir/node/98/ session-forty-eighth-Shiite-TV-47>
24. Motahari, Morteza (2014), *Collection of works of Shahid Motahari*, Tehran: Sadra.
25. Motahhari, Morteza (1998), *Notes of Martyr Motahhari*, Tehran: Sadra.
26. Oxford Advanced Learner's Dictionary, Retrieved from http://oald8.oxfordlearnersdictionaries.com/dictionary/activism#activist__13
27. *Pontifical Council For Justice And Peace* (2005), *Compendium of the Social Doctrine of the Church*, Retrieved from: https://www.vatican.va/roman_curia/pontifical_councils/justpeace/documents/rc_pc_justpeace_doc_20060526_compendio-dott-soc_en.html
28. Pope Benedict XVI (2008), *World Day of Peace 2008*, 7. Message Of His Holiness Pope Benedict Xvi For The Celebration Of The World Day Of Peace 1 January 2008. Retrieved from: https://www.vatican.va/content/benedict-xvi/en/messages/peace/documents/hf_ben-xvi_mes_20071208_xli-world-day-peace.html.

29. Pope Benedict XVI (2009), "Caritas in Veritate", *Charity in Truth*, 66, June 29 , First Published in the St. Bartholomew Bulletin: September.
30. Pope Francis (2014), "World Meeting of Popular Movements", *Old Synod HallTuesday*, 28 October 2014. Retrieved from: https://www.vatican.va/content/francesco/en/speeches/2014/october/documents/papa-francesco_20141028_incontro-mondiale-movimenti-popolari.html.
31. Robinson, Luke (2008), "Moral Principles Are Not Moral Laws", *Journal Of Ethics & Social Philosophy*, Vol. 2, No. 3, p. 2–25.
32. Saint John Paul II (1984), *Address on Christian Unity in a Technological Age*, Toronto, 1984. Retrieved from: https://www.vatican.va/content/john-paul-ii/en/speeches/1984/september/documents/hf_jp-ii_spe_19840914_confessionni-cristiane.html
33. Saint John XXIII (1963), "Pacem in Terris", 31. *Encyclical Of Pope John Xxiii On Establishing Universal Peace In Truth, Justice, Charity, And Liberty*, April 11, 1963. Retrieved from: https://www.vatican.va/content/john-xxiii/en/encyclicals/documents/hf_j-xxiii_enc_11041963_pacem.html.
34. *Second Vatican Council* (1965), *Gaudium et Spes*, Retrieved from : https://www.vatican.va/archive/hist_councils/ii_vatican_council/documents/vat-ii_const_19651207_gaudium-et-spes_en.html.
35. Tamimi Amedi, Abd al-Wahd ibn Muhammad (1410 AH), *Ghorar al-Hekam wa Dorar al-Kalem*, Qom: Dar al-Kitab al-Islamiya.
36. Tawfiqi, Hossein (2006), *Introduction to Great Religions*, ed. 9, Qom: Taha Cultural Institute.
37. *The free dictionary* , (2018), Retrieved from: <https://www.thefreedictionary.com/moral+principle>.
38. Yaghoubi, Abdolrasoul (2012), "Semantics of the word clergy", *socio-cultural knowledge*, Vol. 3, Issue 4, p. 5-20.